

بررسی تطبیقی گفتمان مقاومت اسلامی حزب الله لبنان و گفتمان سلفی تکفیری

دکتر محمدعلی بصیری^۱

محسن باقری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۱۴

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اشغال جنوب لبنان، به وسیله رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ میلادی، به ایجاد و تکوین حزب الله لبنان با حمایت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران منجر شد که نتیجه آن، پیدایش گفتمانی نشأت گرفته از اسلام شیعی با نام مقاومت اسلامی لبنان بود. درمقابل این امر، گفتمانی نیز با عنوان سلفی - تکفیری و با حمایت وهابیت حاکم بر

۱. استادیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

basiri360@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

bagheri.m12@gmail.com

عربستان سعودی متولد شد. در حال حاضر، وقایع سال‌های اخیر در کشورهای سوریه، عراق و یمن به تقابل این دو گفتمان منجر شده است. سوال اصلی مقاله عبارت است از این که علت تقابل گفتمان مقاومت اسلامی حزب الله لبنان با پادگفتمان سلفی - تکفیری چیست؟ فرضیه تحقیق عبارت است از این که علت تقابل این دو گفتمان، منابع متفاوت هویت‌ساز و به تبع آن هویت‌های متفاوت این دو گفتمان است. نتایج بررسی موضوع که با به‌کارگیری نظریه سازه‌انگاری و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده، نشان‌دهنده این است که تعریف متفاوت این دو گفتمان از ارزش‌ها، از یک سو و هویت برآمده از این ارزش‌ها از سوی دیگر، به تقابل هویت و منافع برخاسته از آن هویت در خاورمیانه انجامیده است.

واژه‌های کلیدی: گفتمان مقاومت اسلامی حزب الله لبنان، گفتمان سلفی‌گری- تکفیری، سازه‌انگاری، جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اشغال جنوب لبنان به‌وسیله رژیم صهیونیستی، در سال ۱۹۸۲ میلادی، به ایجاد و تکوین جنبش حزب الله لبنان با حمایت‌های نظام سیاسی ایران منجر شد که نتیجه آن، پیدایش گفتمانی نشأت‌گرفته از اسلام شیعی، به نام «مقاومت اسلامی لبنان» بود. درمقابل این امر، گفتمانی نیز با عنوان سلفی- تکفیری و با حمایت وهابیت حاکم بر عربستان سعودی متولد شد. در حال حاضر، وقایع سال‌های اخیر در منطقه، به ویژه در کشورهای سوریه، عراق و یمن، به تقابل این دو گفتمان منجر شده است. در نظام کنونی بین‌المللی، کشورهای فرادست برای مقابله با گفتمان مقاومت اسلامی از پادگفتمان سلفی - تکفیری استفاده می‌کنند.

برای بررسی دقیق دو گفتمان حزب الله و سلفی-تکفیری، اشاره به گفتمان‌های حاکم بر نظام‌های سیاسی حامی این گفتمان‌ها، یعنی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان نوعی نظام سیاسی که حزب الله مولود آن بوده و عربستان سعودی، به‌عنوان منشأ تفکر وهابیت و سلفی‌گری و حامی ایدئولوژیکی، سیاسی و مالی آن هم ضروری است. از این رو، در ادامه، ضمن تبیین مفهوم گفتمان، نظریه سازه‌انگاری را به‌عنوان چارچوب اصلی بحث بررسی کرده و ضمن اشاره به چگونگی ایجاد و تکوین این گفتمان‌ها، به بررسی تطبیقی مؤلفه‌های هویتی و مبانی بین‌ذهنی قوام‌دهنده به هویت این دو گفتمان می‌پردازیم.



گفتمان

«دیوید هوارث»^۱، گفتمان^۲ را نظامی از اعمال معنادار تعریف کرده است که به سوژه و ابژه هویت می‌بخشد (حقیقت، ۱۳۸۴: ۱۳۶-۱۳۷). از این رو، گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند. از نظر «لاکلا»^۳ و «موف»^۴ هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار و قابل فهم شدن باید در درون نظام گفتمانی قرار گیرد. همچنین لاکلا، تلاش پروژه‌های سیاسی برای تثبیت گفتمان‌های معین را اعمال هژمونی می‌نامد. هدف اعمال هژمونیک نیز، ایجاد یا تثبیت نظام معنایی با صورت‌بندی هژمونیک است. در نظریه گفتمان، عناصری که جدا از هم شاید بی‌مفهوم باشند، وقتی در کنار هم و در قالب یک گفتمان گرد می‌آیند، هویت نوینی کسب می‌کنند. در این بین هویت و گفتمان‌ها، به دلیل وجود خصومت و وابستگی به «غیر»^۵ (یا دگر) متزلزل هستند. «غیر» از یک سو، شرایط امکان و ایجاد هویت را فراهم و از سوی دیگر، آن را تهدید می‌کند و در معرض نابودی قرار می‌دهد (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۱۴).

چارچوب نظری

سازهانگاری^۶ و نقش هویت^۷ و فرهنگ در روابط بین‌الملل

در هر نظریه، یکی از اولین مباحث هستی‌شناختی این است که کدام واحدهای تحلیلی یا موجودیت‌ها را موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد. برخلاف تأکید سازهانگاران بر کنشگران دولتی، این امر لزوماً به معنی عدم تلقی افراد، گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی به عنوان کنشگر از سوی این رویکرد نیست (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

به‌طور خاص سازهانگاری، دانش روابط بین‌الملل را از راه نظریه‌پردازی درباره هنجارها توسعه داده است. از این رو، تلاش برای تشریح اهداف هنجاری و ارزشی، نه تنها ارزش پژوهش

1. David Howarth
2. discourse
3. Laclau
4. Mouffe
5. Other
6. Constructivism
7. Identity

سازه‌انگاران را کاهش نداده، بلکه یکی از عوامل افزایش‌دهنده اهمیت آن نیز بوده است. اگر سازه‌انگاری به مسئله‌ای اساسی در زندگی انسانی به غیر از ثروت یا امنیت پرداخته باشد، بدون تردید آن هویت افراد به مثابه کارگزار است. از این رو، سازه‌انگاران به هنجارها و ویژگی هویت اهمیت می‌دهند (کوورت، ۱۳۹۲: ۲۷۸-۲۸۲).

سازه‌انگاری، به جای تمرکز بر توانمندی دولت‌ها (و سایر کنشگران)، بر هویت دولت‌ها متمرکز می‌شود. تغییر از تمرکز بر توانمندی‌ها به تمرکز بر هویت، به معنای «تغییر از آنچه دولت‌ها می‌توانند براساس جایگاه و موقعیت خود در ساختار انجام دهند» به «آنچه آن‌ها به دلیل چگونگی تعریف خود در رابطه با دیگران، می‌خواهند انجام دهند»، است. از این رو، آنچه منافع را کنترل می‌کند، هویت دولت‌ها و نه توانمندی آنهاست (کوبالکووا، ۱۳۹۲: ۵۲).

به این ترتیب، هویت کنشگران در کانون رهیافت سازه‌انگاری است و هویت، عبارت است از، فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها را نمی‌توان جدا از بستر اجتماعی آنها تعریف کرد. هویت‌های اجتماعی، برداشت‌های خاصی از خود در رابطه با سایر کنشگران نشان می‌دهند و از این طریق منافع خاصی تولید می‌کنند، چراکه «خود» خویش را دوست، رقیب یا دشمن «دیگری» بدانند، تفاوت زیادی در تعامل میان آن‌ها ایجاد خواهد کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۳۳۲).

در بررسی عملکرد بازیگران با استفاده از نظریه سازه‌انگاری، باید توجه کرد که الگوهای ذهنی به عامل تعیین‌کننده در رفتارهای بازیگران منتهی می‌شود. این مسئله از طریق قرار گرفتن هویت بازیگر در مرکز تحلیل رفتار وی منعکس می‌شود. از این رو، براساس این نظریه، برای فهم منازعه یا همکاری دولت‌ها (و بازیگران غیردولتی هم‌سو یا غیرهم‌سو با آنان) با یکدیگر، باید به تصور دولت‌ها از منافع و محیطی که در آن زندگی می‌کنند و همچنین چگونگی تبدیل این تصور، به خط‌مشی و جهت‌گیری سیاسی آن‌ها در نظام بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد. (دهقانی فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷).

اندیشمندان سازه‌انگار، از جمله «جنیفر میتزن»^۱، معتقدند کلیه کنشگران اجتماعی به دنبال تثبیت امنیت تداوم هویت خود (امنیت هویتی) هستند؛ آنها نیاز دارند که به عنوان یک کل واحد در طول زمان ذاتی پایدار داشته باشند. از منظر سازه‌انگاری، بازیگران در زمان تضاد بین امنیت فیزیکی و هویتی برای تداوم تعریف از خود و دیگران، ممکن است امنیت فیزیکی خویش را به خطر انداخته و به استقبال منازعه با دیگران بروند تا از این طریق، تعریف تثبیت

1. Jennifer Mitzen

شده‌ای از دوست-دشمن و خود-دیگری به دست آورند و از شفافیت و وضوح این مرزهای هویتی احساس اطمینان و آرامش کنند (متقی و آزرمی، ۱۳۹۳: ۱۵).

امروزه، عرصه روابط بین‌الملل به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد. از این رو، تبادلات و مناسبات فرهنگی و همچنین کوشش برای نگهبانی از هویت، جایگاه ویژه‌ای در سطح مباحث تئوریک و در عرصه عمل به خود اختصاص داده است. اهتمام به نقش ایده‌ها و هویت و به طور کلی فرهنگ در عرصه روابط بین‌الملل را می‌توان در آثار مکتب سازه‌انگاری مشاهده کرد. برای مثال، «رایموند هینه‌بوش»^۱ معتقد است در قرن بیست و یکم، هویت‌های قومی و مذهبی، به‌عنوان یک متغیر جدید، موجب ظهور نظریه‌های جدیدی در عرصه‌های گوناگون جهانی شده است. در حالی که پس از جنگ سرد، نقش منازعات فرهنگی که پیش‌تر نامرئی و مدفون بود، زبانه کشیده و پس از یازده سپتامبر، مرزبندی جدید امنیتی، برمبنای هویت و فرهنگ بیشتر نمایان شده است (خراسانی، ۱۳۸۷: ۵۸-۵۹).

مطالعات مختلفی درباره نقش فرهنگ در بروز و ظهور منازعات بین‌المللی صورت گرفته است. رویکردهای فرهنگی به منازعات نیز، با تأکید بر شیوه‌های گوناگون اندیشیدن و درک در میان مردمان مختلف، به زمینه‌های فرهنگی منازعات توجه دارد. «الکساندر ونت»^۲ از رویکردهای مختلف دولت‌ها نسبت به یکدیگر، (و سایر بازیگران نسبت به هم) تحت عنوان فرهنگ‌های سه‌گانه آنارشی، یعنی هابزی، لاکو و کانتی یاد می‌کند که بر روابط متفاوت نقش‌ها (دوستی، دشمنی و رقابت و دوستی) مبتنی‌اند. این فرهنگ‌ها، ایده‌های مشترکی هستند که به شکل‌گیری منافع و توانایی بازیگران کمک کرده و روندهای بین‌المللی را شکل می‌دهند (عطایی و سادات واسعی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۵). از این رو، می‌توان گفت با توجه به غلبه هرکدام از این نوع فرهنگ‌ها، نگاه بازیگران به یکدیگر و تعامل یا تقابل آن‌ها در عرصه فرهنگی و هویتی قابل تبیین است.

بررسی تطبیقی مبانی بین‌دهنی هویتی گفتمان مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان و گفتمان سلفی- تکفیری از منظر سازه‌انگاری

سازه‌انگاری و مبانی بین‌دهنی قوام‌دهنده به هویت گفتمان مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان درخصوص چگونگی پیدایش گفتمان مقاومت اسلامی حزب‌الله می‌توان گفت با تجاوز نظامی

1. Raymond A.Hinnebusch
2. Alexander Wendt

اسرائیل به لبنان در خرداد ماه ۱۳۶۱ و ابطال تمام طرح‌های مسالمت‌جویانه برای توافق با اسرائیل و همکاری با ایالات متحده آمریکا، راهکار انقلاب اسلامی ایران، یعنی مقاومت در برابر تجاوزگر، از مقبولیت و اعتبار خاصی برخوردار شد و بستر لازم برای ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرای شیعی‌مذهب و ایجاد تشکیلات یکپارچه‌ای به نام «حزب‌الله لبنان» فراهم گردید؛ تشکیلاتی که بیشترین آمادگی را برای پذیرفتن ارزش‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی از خود نشان داد. حزب‌الله لبنان، حامل همان ایدئولوژی انقلاب اسلامی، یعنی تکیه بر توانایی‌های خود برای سرکوب دشمن بود. از این رو، جمهوری اسلامی ایران، «حزب‌الله» را نوک پیکان مبارزه خود با اسرائیل قلمداد کرد و براساس تعالیم اسلامی، حمایت از این تشکل را سرلوحه سیاست‌های خود قرار داد (اسدالهی، ۱۳۸۲: ۱۷۰-۱۷۱).

با این پیش‌زمینه، می‌توان هویت‌های حزب‌الله را متشکل از سه هویت اسلامی-شیعی، انقلابی و لبنانی دانست. با توجه به غلبه دو هویت نخست بر هویت لبنانی و نیز با توجه به موضوع مقاله، صرفاً مبانی بینادهنی تشکیل‌دهنده و تقویت‌کننده دو هویت اسلامی-شیعی و انقلابی حزب‌الله تبیین می‌شوند که به تأمین امنیت هویتی آن نیز منجر شده است.

هویت اسلامی - شیعی

در این قسمت به تبیین مبانی تشکیل‌دهنده و تقویت‌کننده هویت اسلامی-شیعی حزب‌الله می‌پردازیم:

۱-۱. اسلام‌گرایی سیاسی شیعی

حزب‌الله لبنان، بر اساس مؤلفه‌های گفتمانی‌اش، می‌تواند در زمره اسلام سیاسی شیعی جای گیرد. منظور از سیاسی بودن این است که مذهب تشیع در زمان غیبت، به مرجعیت دین و شریعت در امور سیاسی و اجتماعی بر اساس قرائت شیعی اعتقاد دارد و از این رو، اسلام سیاسی شیعی در پی تشکیل حکومت اسلامی است. در اسلام سیاسی شیعی انقلابی، که نماینده آن امام خمینی(ره) است، چند شاخصه اصلی به چشم می‌خورد: ولایت مطلقه فقها، انقلاب و روش‌های خشونت‌آمیز برای سرنگون کردن نظام جور و نفی استعمار و اندیشه غرب (حقیقت و جدی، ۱۳۹۲). عملکرد حزب‌الله، نشان‌دهنده پذیرش این دیدگاه از سوی این جنبش است. دیدگاه رسمی حزب‌الله درباره اعتقاد به اسلام سیاسی شیعی، در نامه سرگشاده‌ی این جنبش در سال ۱۹۸۵ قابل مشاهده است. حزب‌الله در این نامه ضمن اعلام موجودیت، هویت، استراتژی و برنامه ایدئولوژیک خود را برای نخستین بار تبیین کرد. در قسمتی از نامه آمده

است:

"در عین حال، بر ایمان خویش به آیین حیات‌بخش اسلام به عنوان عقیده، نظام سیاسی، اندیشه و حکومت تأکید و همگان را به شناخت اسلام و پذیرش حاکمیت و تعهد به اجرای دستورات و احکام آن در سطوح فردی، اجتماعی و سیاسی دعوت می‌کنیم... ما خواستار برقراری نظام اسلامی براساس انتخاب آزاد و مستقیم از طرف مردم هستیم (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۲۰۰).

۱-۲. شهادت‌طلبی حسینی و اعتقاد به جهاد اکبر و جهاد اصغر

گفتمان اسلام سیاسی، و به طور مشخص مردم‌سالاری شیعی، بر محور اسلام و اراده اکثریت است و حفظ آرامش، ثبات و امنیت جامعه اهمیت خاصی دارد. از این رو، «عملیات شهادت‌طلبانه» در شرایط اختیاری مبارزه با رقیب، حتی در رفع سلطه خارجی مجاز نیست؛ اما این اقدام را در شرایط اضطراری و با رعایت کلیه جوانب امر به کلی نفی نمی‌کند (حاجی‌یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰: ۷۸). گفتمان حزب‌الله را می‌توان در زیرمجموعه گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار شیعی دسته‌بندی کرد. تاریخچه و عملکرد حزب‌الله در جریان مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل و همچنین تحولات سال‌های اخیر سوریه که یکی از ابعاد آن تأمین امنیت مردم لبنان، درمقابل اقدامات گروه‌های سلفی تکفیری است، این امر را اثبات می‌نماید.

از منظر رهبران حزب‌الله، شهادت، بازگوکننده از خود گذشتگی در اوج ارجمندی است که به هنگام رویارویی با دشمن، چارچوب و ضوابط مشخص شرعی دارد و براساس این ضوابط، چنانچه ضربه زدن به دشمن یا وارد کردن بیشترین خسارت یا پیروزی بر دشمن، متوقف به مرگ بعضی از مجاهدان و شهادت آنان باشد، چنین مرگی مشروع خواهد بود. بنابراین، شهادت‌طلبی تنها یک اندیشه برای اقتناع دیگران نیست، بلکه انتخابی هدفمند و نیازمند ایمان و انگیزه‌ای است که از تلاش و جهاد با نفس نشأت می‌گیرد. الگوی شهادت‌طلبی در گفتمان حزب‌الله، واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یاران ایشان و نتایج حاصل از این شهادت در طول تاریخ است. از نظر اسلام ناب محمدی مورد قبول حزب‌الله، جهاد با نفس، جهاد اکبر است، زیرا جهادی دائمی است؛ و نبرد با دشمن، جهاد اصغر است، زیرا لازمه موفقیت در جهاد اصغر، موفقیت انسان به دفع شهوات و کسب استعداد عملی برای دفاع در مقابل ستمکاران و اشغالگران است. از این رو، جهاد نظامی یا نبرد با دشمن به دو گونه توصیف می‌شود: نخست، جهاد ابتدایی که در اختیار پیامبر (ص) و امام معصوم است؛ دوم، جهاد دفاعی که در آن مسلمانان در مقابل تجاوز یا اشغال از سرزمین، ملت و جان خود دفاع می‌کنند. جهاد



دفاعی، امری واجب است که فرمان آن را ولی فقیه در اختیار دارد. همچنین تشخیص حالتی که شرایط جهاد دفاعی بر آن صدق می‌کند و تعیین مقررات و ضوابط نبرد و ارزیابی فواید و در نهایت توقف آن بر عهده او است (قاسم، ۱۳۸۳: ۴۹-۷۱).

۱-۳. اعتقاد به ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره)

از جمله ویژگی‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران بر حزب‌الله که مهم‌ترین خصوصیت متمایز این جنبش نسبت به سایر گروه‌های اسلام‌گرا در جهان عرب هم محسوب می‌شود، مقبولیت کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره) از سوی این گروه است. این رویکرد، بر تمام ارکان سازمانی و دیدگاه‌های حزب‌الله سیطره داشته و دو علت از سه علت اصلی ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرای لبنان و ایجاد حزب‌الله در سال ۱۹۸۲ را شامل می‌شود (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۷۴). این سه علت عبارت‌اند از: ۱. اعتقاد به ولایت فقیه؛ ۲. اطاعت از

امام خمینی (ره)؛ ۳. مبارزه با اسرائیل (جوان و خسرو شیری، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

حزب‌الله به دلیل روابط خود با سوریه و ارتباط ویژه ایدئولوژیکی و مذهبی با ایران، یک بازیگر مطرح در صحنه خاورمیانه است. رابطه نزدیک حزب‌الله با ایران، ناشی از اعتقاد به شخص آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان ولی فقیه و حمایت‌های مهم نظامی و مالی ایران از این جنبش است. اعتقاد به ولایت فقیه، نشان‌دهنده وجود نوعی رابطه و تبعیت بین حزب‌الله و رهبر عالی انقلاب اسلامی است، که البته به معنی سرسپردگی حزب‌الله به دولت ایران نیست (الگا، ۲۰۰۷).

سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله، درخصوص اهمیت رابطه حزب‌الله با ولی فقیه و حمایت‌های معنوی ایران از این جنبش، اظهار می‌دارد: «توانمندی حزب‌الله که آن را در میان تمامی گروه‌های لبنانی برجسته و سرآمد کرده است و باعث حفظ انسجام و یکپارچگی آن می‌شود، پیروی از ولایت فقیه است. ما کاملاً مطیع رهبری و مقام ولایت فقیه هستیم و هر چه ایشان بفرمایند، عمل می‌کنیم. ایشان مرجع حل اختلافات داخلی احتمالی ما هستند». از این رو باید گفت، مهم‌ترین حلقه اتصال حزب‌الله با نظام جمهوری اسلامی، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره) است. از زمان ایجاد حزب‌الله تاکنون، ولایت فقیه و نقش آن بخش تفکیک‌ناپذیر مبانی فکری و عملی این جنبش بوده است (جوان و خسرو شیری، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۸).

رهبران حزب‌الله، مهم‌ترین دلایل ایجاد رابطه مستحکم بین خود و ایران را چنین بیان می‌کنند:

۱. اعتقاد هر دو طرف به نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره) و سپس آیت‌الله خامنه‌ای؛

۲. انتخاب جمهوری اسلامی به عنوان شکل حکومت در ایران که با اصول اسلامی مورد اعتقاد حزب‌الله همخوانی دارد؛

۳. مخالفت ایران با سلطه استکبار و حمایت از مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل و اشتراک عقیده و منافع ناشی از این امر (قاسم، ۱۳۸۳: ۳۴۲-۳۴۳).

شیخ نعیم قاسم در زمینه رابطه حزب‌الله با ولی فقیه معتقد است: پای‌بندی حزب‌الله به ولایت فقیه، فعالیت در دایره اسلام و در راستای اجرای احکام آن و عمل در چارچوب دیدگاه‌های ولی فقیه است و بر این اساس، دبیرکل حزب‌الله و سایر ارکان آن نیز مشروعیت خود را از ولی فقیه کسب می‌کنند و اختیارات وسیع نیز، از سوی ایشان به ارکان مزبور تفویض می‌شود. این امر، مانع از استقلال گسترده حزب‌الله در انجام کارهای اجرایی و اخذ تصمیمات مربوطه نیست. ولی در شرایطی که دبیرکل با امور مهمی مواجه گردد که نقطه عطفی در روند حرکت حزب بوده و یا بر ارکان فعالیت تأثیرگذار باشد و نیاز به اخذ حکم یا اذن شرعی احساس شود، نظر ولی فقیه را در این خصوص جویا می‌شود (قاسم، ۱۳۸۳: ۸۰-۸۲). با این توضیحات، میزان ولایت‌پذیری حزب‌الله از یک سو و نقش حمایت‌های سیاسی و معنوی رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، در تکوین این جنبش روشن و مشخص می‌شود.

۱. هویت انقلابی

در این بخش، به مبانی بینادهنی قوام‌دهنده به هویت انقلابی حزب‌الله پرداخته می‌شود که متأثر از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی (ره) است.

۱-۲. الگوپذیری از فرهنگ سیاسی انقلاب اسلامی ایران

وقوع انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در توسعه روابط خارجی جامعه شیعیان لبنان است که مانند سایر مذاهب لبنان، به دنبال حامی بیرونی بودند. این امر باعث شد تا پیوند شیعیان لبنان با ایران عملاً از سال ۱۹۷۹ میلادی افزایش یافته و با عنوان ایدئولوژی اسلامی ضد غربی، مشروعیت پیدا کند. پس از تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، حمایت ایران از جامعه شیعیان این کشور با تشکیل حزب‌الله به اوج خود رسید. به‌طور مسلم، حزب‌الله را می‌توان اثرگذاری مستقیم انقلاب اسلامی تلقی نمود، زیرا الگوبرداری از این انقلاب، به تشکیل ساختار سازمانی و شکل‌گیری ایدئولوژیک آن کمک کرده است. هرچند حمایت ایران از حزب‌الله برپایه پیوندی ایدئولوژیک و دینی شکل گرفت، ولی با حمایت مالی، نظامی و سیاسی نیز

همراه شد (هزران، ۱۳۹۰: ۲۵۲-۲۵۳).

حزب‌الله، در صحنه داخلی لبنان نیز به لحاظ ایدئولوژیک از ابتدا خود را به دو ایده اصلی متعهد نموده است: از بین بردن نظام طایفه‌ای، و بنیان نهادن نظم مطلوب اسلامی. برخلاف به رسمیت نشناختن مشروعیت نظام لبنان به‌وسیله حزب‌الله، این جنبش از سال ۱۹۸۹، به‌منظور ارتقای منافع جامعه شیعه و حمایت از سازمان نظامی خود، در نهادهای سیاسی لبنان حضور داشته است. ولی هدف ایدئولوژیک طولانی‌مدت حزب‌الله، ایجاد یک نظام اسلامی و به‌دست گرفتن قدرت دولت به‌وسیله شیعیان است. (هزران، ۱۳۹۰: ۲۴۴-۲۵۰)

ادبیات سیاسی و نوع شعارهای حزب‌الله نیز نشان‌دهنده تأثیرپذیری والهام گرفتن این جنبش از انقلاب اسلامی ایران است. انتخاب نام «حزب‌الله»، در عین حال که از آیات ۲۲ و ۵۶ سوره مائده قرآن کریم گرفته شده است، در فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب ریشه دارد. در گفتمان حزب‌الله، از مسلمانان و دیگر ملل ضعیف جهان با عنوان مستضعف و از ایالات متحده آمریکا با عنوان استکبار جهانی یاد می‌شود (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۸۴-۱۸۵).

۲-۲. استکبارستیزی

ارزش‌ها از عناصر مورد تأکید در سازه‌نگاری هستند. ارزش‌های مورد نظر جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اسلام سیاسی، نفی لیبرال-دموکراسی غرب و هر گونه سلطه‌پذیری و سلطه‌گری است (متقی و آزرمی، ۱۳۹۳: ۱۳). همچنین یکی از «دگرهای» عمده جمهوری اسلامی ایران ضدیت با رژیم صهیونیستی است که هویت آن را شکل داده است. در واقع، اسلامیت نظام اسلامی (در ابتدای انقلاب) در ضدیت با اسرائیل و همچنین آمریکا تعریف شده که از مواضع ضداسرائیلی بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره) اخذ شده است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۳۵).

حزب‌الله در این خصوص هم با پیروی از اندیشه‌های سیاسی امام خمینی، به‌عنوان ولی‌فقیه و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران و با اتخاذ گفتمان اسلام‌گرایی شیعی، به تقویت هویت اسلامی- شیعی خود می‌پردازد که به منشأ گرفتن نقش‌هایی چون مدافع اسلام و تشیع و عامل ضد استکبار و ضد صهیونیست از هویت اسلامی- شیعی این جنبش منجر می‌گردد. از این رو، حزب‌الله ضمن ابراز انزجار از حضور هژمونیک آمریکا در منطقه، به‌رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی را نیز با ماهیت، مشروعیت و موجودیت خود در تعارض آشکار می‌داند، پس به مقابله با اسرائیل و نفوذ آمریکا در منطقه می‌پردازد. زیرا حزب‌الله از ابتدای اعلام موجودیت

خویش، اشغالگری اسرائیل در لبنان را با تمام وجود حس کرده و حمایت آمریکا از این رژیم را به چشم دیده است؛ وضعیتی که با وجود گذشت سه دهه از زمان ایجاد حزب‌الله، تغییر چندانی نکرده است. اسرائیل هم‌اکنون ضمن اشغال فلسطین، قسمتی از لبنان را هم در اشغال خود دارد و در کنار این امر، آمریکا ضمن حمایت از این رژیم با تشکیل محور غربی-عربی، به دنبال از بین بردن محور مقاومت است.

جنبش حزب‌الله، با الهام از افکار امام خمینی (ره)، معتقد است ولی فقیه باید بالاترین قدرت سیاسی را داشته باشد. این پیوند فکری با ایران، موضع‌گیری ایدئولوژیک حزب‌الله را هدایت می‌کند و دربردارنده ماهیت منازعه این جنبش با اسرائیل، روابطش با سایر مسلمانان و دیدگاهش نسبت به جهان غرب است. حزب‌الله، به مفهوم تقسیم جهان به دو بخش مستکبران و مستضعفان پای‌بند است. این جنبش، آمریکا را شیطان بزرگ می‌داند و معتقد است: سیاست آمریکا در خاورمیانه سیاستی اسرائیلی است. اسرائیل نوک پیکان آمریکا در منطقه است و آمریکا ابزار دست اسرائیل به حساب می‌آید. حزب‌الله با این تصور، آمریکا را سردمدار تروریسم دولتی در جهان معرفی می‌کند (حجار، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

در گزارش وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۰۰ با عنوان «الگوهای تروریسم جهانی»، حزب‌الله اینگونه معرفی شده است: «حزب‌الله» در سال ۱۹۸۲ در پی حمله اسرائیل به لبنان ایجاد شد. این گروه رادیکال لبنانی از نظر ایدئولوژی، از انقلاب ایران و اندیشه‌های آیت‌الله خمینی (ره) الهام می‌گیرد. حزب‌الله، به دنبال آزادسازی بیت‌المقدس و حذف اسرائیل و به صورت رسمی موافق ایجاد حکومت اسلامی در لبنان است. حزب‌الله، متحد نزدیک جمهوری اسلامی ایران است و بیشتر از این کشور خط می‌گیرد، ولی توانایی فعالیت انفرادی و مجزا از ایران را نیز دارد (بهجت، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

از نظر تحلیل‌گران وزارت امورخارجه اسرائیل نیز، ستیز حزب‌الله با اسرائیل بخشی غیرقابل تفکیک از سه چالش بین مستکبران و مستضعفان، چالش فرهنگی بین غرب و جهان اسلام و چالش تاریخی میان یهود و اسلام است (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

۳-۲. مقاومت اسلامی و مقابله با صهیونیسم

تأثیرپذیری حزب‌الله از آموزه‌های انقلاب اسلامی، از جمله دلایل مؤثر تمایل این جنبش در به‌کارگیری الگوی مقاومت و شیوه‌های قهرآمیز علیه اسرائیل است، زیرا برای استفاده از این روش‌ها، از جمله عملیات استشهادی، باید استدلال ایدئولوژیک قوی وجود داشته باشد

(اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

جنبش حزب الله با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی، ایدئولوژی حداکثرگرایی، برای نابودی «موجودیت صهیونیسم» را با آغوش باز پذیرفته است. سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله، از ابتدای رهبری این جنبش در سال ۱۹۹۲، خواستار مبارزه با رژیم صهیونیستی به عنوان بنیان ایدئولوژیکی آن شده است (هزران، ۱۳۹۰: ۲۵۰-۲۵۲). طبق قاعده نفی سبیل، سلطه کفار بر مسلمانان به شدت نفی می شود. از این رو، رژیم اسرائیل نماد سلطه ارزش ها و تمایلات استعماری غرب است و هر نوع سازش و همکاری با آن مردود شمرده می شود (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۲۲). مقابله حزب الله با اسرائیل، به عنوان نماد لیبرال-دموکراسی غرب در منطقه را می توان مقابله با سلطه طلبی کفار در منطقه دانست.

از آنجا که تجاوز نظامی اسرائیل به لبنان در ژوئن ۱۹۸۲، علت اصلی ایجاد جنبش حزب الله لبنان بوده است، پس می توان حزب الله را مولود مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل نامید. رهبران و اعضای این جنبش نیز به این مسئله اذعان دارند. (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۳۵-۱۳۶) اسحاق رابین، وزیر دفاع وقت اسرائیل، درخصوص نتیجه تجاوز ۱۹۸۲ به لبنان چنین گفته است: «حمله نظامی اسرائیل باعث گردید تا غول شیعه از بطری خارج شود» (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۹۷).

حزب الله از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰، یعنی از زمان تأسیس تا زمان تبدیل به یک نیروی مؤثر چالشگر در برابر اسرائیل، مراحل مختلفی را در زمینه های اجتماعی، سیاسی و نظامی طی کرده است. به صورت خلاصه، این جنبش در مدت ۳۰ سال گذشته، از متغیری کم تأثیر به وزنه ای جدی و دغدغه اصلی رژیم اسرائیل در عرصه نظامی مبدل شده است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۶)، زیرا حزب الله با انتخاب استراتژی مقاومت در برابر اشغالگری، توانست به تدریج نیروهای ارتش اسرائیل را تا جنوب لبنان عقب براند و سرانجام در سال ۲۰۰۰ میلادی، موفق شد اسرائیل را مجبور کند تا از جنوب لبنان، به استثنای مزارع شبعا و تپه های کفر، عقب نشینی کند. پیروزی حزب الله در سال ۲۰۰۰، نقطه عطفی در تاریخ این جنبش و نیز در مواجهه جهان اسلام با رژیم اسرائیل محسوب می شود (شیروانی، ۱۳۸۹: ۴۸).

از منظر تحلیل گران غربی نیز می توان حزب الله را یک جنبش جهادی اسلامی مترقی توصیف کرد. با این حال، استفاده از اصطلاح «جهاد» نباید موجب شود که تصور کنیم، حزب الله به طور ذاتی یک گروه افراطی و خشونت طلب است. اگرچه هدف اولیه این جنبش، مقاومت نظامی در برابر اسرائیل بوده و این مقاومت از آغاز تا کنون، علت وجودی آن را تشکیل می دهد، ولی

هدفش منحصرآ نظامی نیست. تعامل این جنبش با بازیگران مسیحی و سنی صحنه سیاسی لبنان، حتی با احزابی که گرایش‌های میهن‌پرستانه و حضور فعال در عرصه سیاست این کشور و نیز نگاهی اخلاقی نشأت‌گرفته از فلسفه جهاد اکبر دارند، این امر را تأکید می‌کند (الگا، ۲۰۰۷). از این رو باید گفت، حزب‌الله فقط یک حزب نیست، بلکه جریانی فراگیر، محبوب با پشتوانه مردمی بالا، در لبنان و همچنین در جهان اسلام است و قوی‌ترین جنبش ضد صهیونیستی اسلامی شیعی در مجاورت اسرائیل محسوب می‌شود که مبنای ایدئولوژیک و نگرش سیاسی این جنبش، بیشترین تشابه و نزدیکی را با جمهوری اسلامی ایران دارد (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

سازهانگاری و مبنای بینادهنی قوام‌دهنده به هویت گفتمان سلفی-تکفیری

در خصوص چگونگی پیدایش گروه‌های معتقد به گفتمان سلفی-تکفیری در منطقه باید گفت، القاعده عراق در سال ۲۰۰۴ میلادی، به وسیله چند نفر از اسلام‌گرایان تندرو، مانند ابومصعب زرقاوی، ابوحزمه المهاجر، ابو عمر البغدادی و ابوبکر البغدادی در شهرهای بعقوبه عراق و رقه سوریه تشکیل شد. ریشه شکل‌گیری داعش نیز، به نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد. داعش، از بازمانده‌های القاعده عراق، در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد، از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ سازماندهی گردید و تا سال ۲۰۱۴ رشد کرد. داعش، ابتدا با ایمن الظواهری بیعت کرد و با جبهه‌النصره متحد شد، ولی در ماه می ۲۰۱۴ از النصره جدا شد و از القاعده فاصله گرفت و به دنبال آن، در ماه آگوست ۲۰۱۴ اعلام خلافت کرد. داعش و القاعده هر دو، با آمریکا و غرب (در ظاهر)، تشییع و مکاتب چهارگانه اهل سنت مخالف هستند. هدف القاعده، غرب است و درگیری با شیعه برای آنان در مرحله بعد قرار می‌گیرد، ولی هدف اصلی داعش، تشییع بوده و این گروه به دنبال آزادسازی بغداد و احیای عصر هارون‌الرشید و تشکیل حکومت اسلامی است. رهبر داعش نیز خود را خلیفه مسلمانان می‌خواند. قلمرو داعش، برخلاف القاعده که بین‌المللی است، در خاورمیانه متمرکز است. در حال حاضر، داعش، به عنوان یک جریان خشن و رادیکال، سودای خلافت را در سر دارد و بخش‌هایی از سوریه و عراق را تصرف کرده است (غفاری هاشجین و علیزاده سیلاب، ۱۳۹۳: ۹۰-۹۲).

برای شناخت عملکرد گفتمان سلفی-تکفیری و چگونگی تقابل آن با گفتمان حزب‌الله، لازم است منابع بینادهنی تشکیل‌دهنده هویت این گفتمان با توجه به هنجارهای موجود در آن تشریح شود. این گفتمان شامل ابعاد هویتی سلفی و وهابی تکفیری است که در ادامه، به بررسی منابع بینادهنی تشکیل‌دهنده این هویت می‌پردازیم.

۲. هویت سلفی

در این بخش، به تبیین مبانی بینادهنی قوام‌دهنده به هویت سلفی گفتمان سلفی- تکفیری پرداخته می‌شود.

۱-۱. اسلام‌گرایی سلفی

سلفی‌گری به جریانی گفته می‌شود که در حوزه روش‌شناسی، نقل‌گرا؛ در حوزه معرفت‌شناسی، حدیث‌گرا؛ در حوزه هستی‌شناسی، حس‌گرا؛ و در حوزه معناشناسی، ظاهرگراست. به عبارت دیگر، اندیشه سلفی همیشه عقل‌ستیز و کاملاً ارتجاعی است و در مذاهب چهارگانه اهل سنت نمی‌گنجد (ستوده و خزایی، ۱۳۹۳).

اصطلاح «سلفی» به طیف وسیعی از جریان‌های اسلامی اهل سنت گفته می‌شود که خواستار بازگشت به روش سلف، یعنی پیشوایان اهل سنت در قرن‌های اولیه اسلام هستند. آن‌ها این شیوه سلف را اسلام نابی می‌دانند که جامعه باید به آن برگردد تا عظمت گذشته را بازیابد. معنای اصطلاحی سلف به بدعتی برمی‌گردد که ابن تیمیه، در قرن هفتم هجری ایجاد کرد. این دیدگاه، به تشکیل مذهب جدیدی به نام سلفی‌گری در سده‌های اخیر منجر شده است. مهم‌ترین جنبه اجتماعی سلفیه آن است که فقط پیروان خود را بر حق می‌داند و سایر مسلمانان را کافر، گمراه و مشرک محسوب می‌کند. سلفیان جدید نیز، به کاربرد گسترده خشونت و اندیشه تکفیری اعتقاد راسخ دارند (غفاری هاشجین و علیزاده سیلاب، ۱۳۹۳: ۹۱-۹۳).

ویژگی‌های رفتاری گروه‌های سلفی تکفیری عبارت‌اند از:

۱. ظاهرگرایی رفتاری و قشری بودن؛
۲. تکیه بر ارباب و وحشت؛
۳. تکیه بر جهل و تعصب؛
۴. فرقه‌گرایی؛
۵. الگوسازی بدلی برای تخریب عقده‌ها و احساس حقارت‌های تاریخی؛
۶. عقلانیت‌گریزی و تکیه بر احساسات، به‌جای عقلانیت در مبانی فکری؛
۷. هم‌گرایی با کشورها (آمریکا و اسرائیل)، گروه‌ها، نیروها و افرادی که اهداف مشترک داشته باشند (اتخاذ رویکرد، هدف وسیله را توجیه می‌کند)؛
۸. تمرکز بر فعال‌سازی شکاف‌های مذهبی؛

۹. عقب‌ماندگی سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

۲-۱. امت‌گرایی رادیکال و فرقه‌گرا

یکی از مباحث هستی‌شناسی هر چارچوب تحلیلی، تأکید آن بر واحد تحلیل است. جریان نوبنیادگرایی سنی (سلفی)، به‌عنوان یکی از ارکان تشکیل‌دهنده هویت گفتمان سلفی تکفیری، گرایش امت‌محور دارد. از لحاظ تاریخی، این جریان پس از حمله شوروی به افغانستان شکل گرفت و بعد از دهه ۱۹۹۰ میلادی، با گسترشی چشمگیر، در وضعیت تهاجمی قرار گرفت. جنگ افغانستان و اشغال این کشور به‌وسیله شوروی که مسلمانان آنان را کفار می‌دانستند، و بارز شدن مسئله جهاد که در اسلام سیاسی امری بسیار مهم است، زمینه را برای شکل‌گیری جریان‌هایی آماده می‌کرد. از نظر آنان، مسئله کسب قدرت از طریق به‌دست گرفتن دولت دیگر مسئله اساسی نبود، بلکه مسئله اساسی، سرزمین اسلامی، امت اسلامی و جهاد برای بیرون راندن کفار از سرزمین‌های اسلامی به‌شمار می‌رفت. این جریان، سرشتی فراملی و بین‌المللی داشت و پیروان آن، هدف خود را دفاع از مرزهای اسلامی و بیرون راندن متجاوزان کافر از سرزمین‌های اسلامی اعلام می‌کردند. جریان سلفی که از لحاظ ایدئولوژیکی، محافظه‌کار؛ از لحاظ سیاسی، رادیکال خشونت‌طلب؛ و از لحاظ محدوده فعالیت، فراملی است؛ بر اجرای شریعت ظاهری تأکید می‌کند (حقیقت و جدی، ۱۳۹۲). به روایت بهتر، سلفی‌های تکفیری با استفاده ابزاری از مفهوم امت اسلامی، به دنبال تغییر جغرافیای سیاسی منطقه در راستای منافع حامیان بین‌المللی خویش هستند.

یکی از ویژگی‌های گفتمان سلفی‌گری، «فرقه‌گرایی خودبنیاد و مخرب» است. «خودبنیاد»، چرا که این جریان با تفسیر انحصارطلبانه از «فرقه ناجیه»، ابداع‌کننده ارزش‌ها و باورهای جدیدی، تحت عنوان سلفی‌گری است که اکثریت مسلمانان، آن را خلاف کتاب و سنت می‌دانند. «مخرب»، زیرا این جریان با تکفیر فرق و جوامع اسلامی، در قالب مأموریت خاص، اقدام تخریبی علیه آن‌ها انجام داده و این اقدامات را آشکارا «مقدس» می‌داند (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۹۹).

۳-۱. عقل‌گریزی و ظاهرگرایی

مسئله «اصالت ظواهر» در بین سلفی-تکفیری‌ها، نوعی ابزارگرایی ناشی از تقدم عمل بر نظر را در نظام فکری این جریان نشان می‌دهد که با ایده‌های ماکیاولیستی هم‌خوانی دارد؛ به این ترتیب که جریان‌های سلفی-تکفیری برای رسیدن به هدف، تمام راه‌های غیرمشروع را پیشنهاد می‌کنند. برای مثال، آن‌ها با استناد به قول‌های برجای مانده از بزرگان سلفی،



مانند ابن تیمیه، اعمال غیرشرعی نظیر «دروغ» و «اخذ مال حرام» را در همه اشکال آن جایز می‌شمارند. جریان سلفی- تکفیری با تکیه بر این میراث تاریخی و با الهام از انگاره‌پردازی‌های خویش، گسترده‌ترین شبکه تروریستی را در جهان سازماندهی کرده است که به دلیل بهره‌گیری از اشکال مختلف خشونت‌ورزی، نظیر «تروریسم انتحاری»، نماینده شاخص تروریسم نوین در دوران معاصر به حساب می‌آید. (ستوده و خزایی: ۱۳۹۳).

گفتمان سلفی- تکفیری بر سه اصل اساسی استوار است:

۱. محدود بودن اندیشه و رفتار در حدود کتاب و سنت؛

۲. قصور فهم انسان در پی بردن به همه چیز و بی‌فایده بودن فعالیت ذهنی؛

۳. لزوم پرهیز از هرگونه فکر نو و کار جدید.

به دلیل همین اصول است که این تفکر راه را بر هرگونه بحث عقلی می‌بندد و اهل فکر را بدعت‌گذار دانسته و حتی آن‌ها را تکفیر می‌کند. جریان بنیادگرای سلفی با رد صریح یا ضمنی عقل، اجتهاد، ابتکار و نوآوری، به جمود و تحجر منتهی می‌شود (دبیری‌مهر، ۱۳۹۲: ۱۵۲-۱۵۳) که درست در نقطه مقابل پویایی اجتهاد شیعه قرار دارد.

۴. هویت وهابیت تکفیری

در این بخش، به تحلیل مبانی بینادذهنی قوام‌دهنده هویت وهابیت تکفیری گفتمان سلفی- تکفیری پرداخته می‌شود.

۴-۱. تکفیرگرایی

خوارج برای اولین بار تکفیرکردن را علیه دیگر مسلمانان به کار بستند. بعدها، تکفیرگرایی را ابن تیمیه تئوریزه کرد و بسط داد و در نهایت، به اصول فکری گروه‌های سلفی راه پیدا کرد. در دوران جدید، «محمدبن عبدالوهاب» مفهوم تکفیر را وارد ادبیات سیاسی - دینی نمود. وی مسلمانان و غیرمسلمانان دگراندیش را در محدوده اعمال تکفیر جای می‌داد. امروزه (برخی از شاخه‌های) جریان سلفی‌گری به اعتبار واجد بودن این شاخصه، «تکفیری» نامیده می‌شوند، که از آن جمله می‌توان به گروه‌های النصره، داعش (دولت اسلامی عراق و شام) و القاعده در سوریه و عراق اشاره کرد (ستوده و خزایی، ۱۳۹۳). سلفی‌های تکفیری، هرکس غیر از خودشان را کافر تلقی می‌کنند. از نظر آن‌ها کافر نزدیک، شیعیان و کافر بعید، جهان غیرمسلمان است (یزدان‌فام، ۱۳۹۳).

«سیدقطب» مدعی بود که همه جوامع، حتی مسلمانانی که به ملاک‌های توحیدی و حاکمیت

خداوند عمل می‌کنند، کافر هستند و باید نابود شوند. «شکری مصطفی»، رهبر جنبش تکفیر و الهجره، حتی چهار فقه اهل سنت را با این ادعا «طواغیت» نامید که خلاقیت‌های فردی در تفسیر را جانشین دین کرده و خود را واسطه بین انسان و خدا قرار داده‌اند. «عبدالسلام فرج» نیز اعلام کرد که همه رژیم‌های طاغوتی و همه کسانی که در استخدام آن‌ها هستند، مشمول تکفیر بوده و جهاد علیه آن‌ها مشروع و لازم الاجراست (حقیقت و جدی، ۱۳۹۲).

گروه‌های سلفی-تکفیری، از جمله داعش، با خلق «فقه‌التکفیر»، توانسته‌اند احساسات خشونت‌گرا را با باورهای مذهبی درهم‌آمیزند. به باور این گروه‌ها، از آنجایی که اهل سنت پیرو مکاتب اربعه، جهاد را تعطیل نموده‌اند، کافرند و کشتن کافران نیز واجب است (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۶). آنان، مسلمانان دیگری را که اعمالشان را قبول ندارند، کافر و مرتد دانسته و علیه ایشان اعلام جنگ می‌کنند، و غیرمسلمانان را هم به‌عنوان کفار، فقط شایسته مرگ می‌دانند (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

۲-۴. شیعه‌ستیزی و تبدیل شدن به ابزار قدرت اهل سنت

حساسیت روی هویت و ترمینولوژی شیعی از بارزترین نقاط اشتراک طیف‌ها و گرایش‌های مختلف سلفی‌گری است، ولی طیف افراطی سلفیون، بی‌واهمه تشیع را «دین خودساخته» می‌خوانند. زبان و ادبیات ایدئولوژیک سلفی‌گری در این باره، نظام نشانه‌شناسی است، که تحلیل گفتمان زرقاوی و یا آثار دیگر نظیر کتاب «عبدالرحمن عطیه الله»، از نظریه‌پردازان و چهره‌های شاخص القاعده، نمودار آن است: «شیعه، نه تنها جزو مارکین و خارجین از امت است، بلکه متعلق به دین خودساخته‌ای است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به‌دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است». این تصویرسازی ضد ایرانی و ضد شیعی با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگ، همه روزه در عراق رو به گسترش است؛ به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۳، که از نظر سلفی‌ها عراق از دست «اسلام راستین» خارج شده و به دست «رافضان شیعه» افتاده است (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۰۸).

خاستگاه اسلام‌گرایی سلفی (تکفیری)، عربستان سعودی بوده و دال‌های این گفتمان، به‌وسیله شیوخ وهابی مفصل‌بندی شده است. آن‌ها توانسته‌اند این تفکر را در مناطق متعدد، از جمله عراق (و سوریه)، هژمونیک سازند. اسلام‌گرایان سلفی (تکفیری)، تنها حوزه توانایی عقل را فهم مدلولات (مصادیق) ظاهری آیات و روایات دانسته و هیچ نقشی را برای عقل در بررسی شرایط جدید زمانی و مکانی قائل نیستند. از این رو، رویکرد عقل‌گرایانه تشیع را تحریف



دین دانسته و با شیعیان به شدت دشمنی می‌کنند و جنگ با آنان و غارت اموالشان را واجب می‌دانند. از دید این گروه، جهاد به معنی قتل‌عام شیعیان، حتی با توسل به عملیات انتحاری است (حاجی‌یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۹).

با توجه به نقش هویت سلفی و تکفیری این گفتمان باید گفت، حضور نیروهای تکفیری در منطقه، نشان‌دهنده نوعی جنگ میان گفتمان سلفی-تکفیری، سازش با رژیم صهیونیستی با گفتمان مقاومت است. گفتمان سلفی-تکفیری با کمک کشورهای عرب هم‌سو و قدرت‌های غربی به رهبری آمریکا و حتی پیوند با اسرائیل، به دنبال قطع اهرم‌های قدرت، و به صورت خاص، مهم‌ترین بازوی قدرت منطقه‌ای دولت شیعی ایران، یعنی حزب‌الله لبنان است. در شرایط کنونی، به غیر از اقدامات نظامی عربستان در یمن، گروه‌های سلفی تکفیری در سوریه و عراق و لبنان و یمن، مانند داعش، جبهه النصره و القاعده این مأموریت را انجام می‌دهند.

۳-۲. انتحارطلبی و عوامانه کردن جهاد

تکفیری‌ها، به هیچ‌یک از قواعد جهاد، از قبیل جهاد تدافعی و عدم کشتار غیرنظامیان، پای‌بند نبوده و کشتار انسان‌های بی‌گناه را مجاز می‌دانند. آنها، خودکشی برای کشتن دشمنان خدا را شهادت می‌دانند و معتقدند، افرادی که عملیات انتحاری انجام می‌دهند، شهید هستند و مستقیم وارد بهشت می‌شوند (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۵).

گفتمان اسلام سیاسی سلفی-تکفیری، خود را نماینده اسلام راستین و تنها عامل تمیز حق از باطل می‌داند. این گفتمان، انجام هر امری را که به حذف رقیب از صحنه منجر گردد، بر خود واجب می‌شمارد. در این تفکر، کشتن مخالفان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، حتی به قیمت از دست دادن جان خود، معنایی مقدس پیدا کرده که باعث افزایش منازعات فرقه‌گرایانه، تروریسم و ناامنی در منطقه گردیده است (حاجی‌یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰: ۷۸).

با توجه به وجود آیات جهاد در قرآن، شیعه و سنی جهاد را با ابزارهایی کنترل می‌کنند. در تشیع، جهاد ابتدایی در اختیار معصوم است و اهل سنت هم معتقدند که جهاد ابتدایی باید به فرمان مفتی یا خلیفه انجام گیرد. ولی جریان سلفی-تکفیری به آیات جهاد استناد کرده و به آنان (خودسرانه) عمل می‌کند. در اغلب آثار اندیشمندان (این جریان)، گفتمان خشونت به شدیدترین وجه ترویج شده و گفته می‌شود که می‌توان با هر نوع وسیله‌ای، دشمن را از صحنه روزگار محو کرد. دشمن ممکن است «آمریکا، اذنان او در بلاد اسلامی، صوفیان بی‌دین، شیعیان کافر و لائیک‌های غرب‌گرا» باشند. گفته شده است که براساس متون این

گفتمان، استفاده از هر نوع سلاح کشتار جمعی نیز مجاز است. از این رو، پشتوانه تئوریک انفجارهای انتحاری در نقاط مورد نظر این جریان، رساله‌های رهبران این تفکر است (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۸-۱۰۹).

۴-۲. افراط‌گرایی و تروریسم

اصول فکری- فلسفی افراط‌گرایی در بستر باورهای سلفی رشد کرده است. سردمداران افراط‌گرایی توانسته‌اند، سلفی‌گری را از گرایشی اعتقادی و فقهی به یک ایدئولوژی تمام‌عیار ستیزه‌جو و طردکننده تبدیل کنند. ایده برآمده از این ایدئولوژی، تأکید دارد که سایر طیف‌های مذهبی در صورت مخالفت با این مبانی، تکفیر می‌شوند. هویت‌یابی افراط‌گرایانه این جریان نیز، برآیند فرهنگ خشونت‌پرور، ارزش‌ها و هنجارهای مبتنی بر قرائت خاص از شریعت، ایدئولوژی و تعاملات بین‌ذهنی افراط‌گرایان با خود و «دیگران» است که منافع و اهداف افراط‌گرایان، یعنی اتخاذ رفتارهای تقابلی و خشن، براساس آن تعریف و اولویت‌بندی می‌شود. این طیف به لحاظ کارکردی، نوع خاصی از مناسبات و ساختارهای سیاسی- فرهنگی را پیگیری می‌کند که نتیجه آن، نفی و رد ساختار کنونی ترتیبات قدرت، سیاست و مذهب در سطح ملی و بین‌المللی است و هر نوع مخالفت و عدم همراهی را با خشونت پاسخ می‌دهد. جهاد علیه کفار (و شیعیان)، اجرای شریعت سلفی و استقرار ساختار سیاسی- مذهبی خلافت تنها بخشی از منظومه فکری- رفتاری آنان است. از این رو باید گفت، تکوین این نوع رفتارهای افراط‌گرایانه برابر نظریه سازه‌انگاری، بیش از هر چیز مخلوق سازه‌های معنایی- هویتی افراط‌گرایان است که با فرهنگ خشونت، ایدئولوژی جهادگر و هویت‌یابی قوام یافته است (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۶۶).

سلفی‌های تکفیری، هر صاحب اقتدار سیاسی را که از عقاید آن‌ها پیروی نکند، نامشروع و قتل وی را واجب می‌دانند. تکفیری‌ها برای کشتن دشمنان خدا، تروریسم را مجاز می‌دانند. از نظر آنها استفاده از خشونت و ترور برای برکناری رهبرانی که بر اساس اسلام حقیقی حکومت نمی‌کنند، یک وظیفه اسلامی است (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۵).

درهم تنیده بودن قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی در عربستان، که حفظ و گسترش آن برای حاکمان در عرصه داخلی و بین‌المللی، رابطه‌ای تنگاتنگ با ترویج اندیشه‌های وهابیت دارد، به تلاش این دولت برای ایجاد گروه‌هایی با مأموریت تبلیغ و گسترش این تفکر منجر شده است. به‌علت ترکیب آموزه‌های جریان سلفی با برخی مکانیسم‌ها و زمینه‌های سیاسی جهان

امروز، این جریان به تدریج به سمت رادیکالیسم توسعه‌محور تمایل پیدا کرده است. در این راستا می‌توان به داعش اشاره کرد که یک گروه سلفی-تکفیری ستیزه‌جو و افراطی است، زیرا ضمن داشتن دیدگاه‌های تکفیری و مخالفت با هر غیرخودی، دست به سلاح برده و جنبه ستیزه‌جویانه آن پررنگ‌تر شده است. این موضوع در دیدگاه‌ها و ساختار تشکیلاتی آن نیز مشهود است (عباسی، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۹).

۲-۵. وابستگی ایدئولوژیک، سیاسی و مالی به وهابیت حاکم بر عربستان سعودی

درباره ارتباط گفتمان سلفی-تکفیری با وهابیت، به‌عنوان یک مذهب و نیز استراتژی این گروه‌ها باید گفت، ایده تأسیس امارت اسلامی، عقیده‌ای کاملاً وهابی است که برای اولین بار، به‌وسیله محمدبن عبدالوهاب، پایه‌گذار مکتب وهابیت، مطرح شد. وی همواره تلاش داشت تا به هر طریق ممکن، مقدمات تأسیس امارت یا خلافت اسلامی را فراهم کند. در حال حاضر، چنین اندیشه‌هایی در گروه القاعده و پس از آن در گروه‌های تروریستی- تکفیری فعال در عراق و سوریه، از جمله داعش، ملاحظه می‌شود. در جریان سلفی-تکفیری، «ابن تیمیه» حلقه ارتباطی بین «ابن حنبل» و «محمدبن عبدالوهاب» شمرده می‌شود. این افراد، سه رکن اصلی جریان سلفی‌گری را در طول تاریخ تشکیل می‌دهند و هر یک از آن‌ها به نحوی بر افراط‌گرایی و تندروی در مذهب تأکید دارند. وهابیت تلاش می‌کند تا سلفی‌گری را به شکل افراط‌گرایانه آن احیا کند. بر همین اساس، آموزه‌های وهابیت تمام تلاش خود را به ایجاد رعب و وحشت دینی و مذهبی معطوف کرده است. «ابن تیمیه»، چنان در استفاده از اصل تکفیر دیگران زیاده‌روی و افراط نشان داده بود که حتی گفته می‌شد، تمام امت اسلام را تکفیر کرده است. چنین موضوعی درخصوص وهابیت نیز مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که «تکفیر» مهم‌ترین رکن ادبیات دینی و اعتقادی وهابیت را تشکیل می‌دهد (ابراهیم، ۱۳۹۳).

این در حالی است که برخی اندیشمندان معتقدند، وهابیت شاخه‌ای از سلفیون افراطی است و عده‌ای دیگر بر این باورند که میان سلفیه و وهابیت تفاوت ماهوی وجود ندارد. این دسته از مسلمانان افراطی در عربستان، وهابی خوانده می‌شوند؛ ولی زمانی که افکار خود را به خارج از مرزها صادر می‌کنند، خود را سلفی می‌نامند. رابطه منطقی بین وهابیت و سلفیه نیز عام و خاص مطلق است. وهابیت از زمان شکل‌گیری حکومت آل‌سعود در عربستان، مذهب درباری این کشور بوده است. امروزه نیز گروه‌های تندرو، از قبیل القاعده و سلفی‌های تکفیری از میان آنها ظهور کرده و باعث انشعاب در مکتب وهابیت شده‌اند. وهابیون تکفیری نیز به

عنوان یکی از گروه‌های وهابی، با ترور، بمب‌گذاری و قتل‌عام اهداف خود را دنبال می‌کنند (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۹۲: ۲۷-۳۵). همچنین حاکمان سعودی برای پیشبرد اهداف خود، راهبرد دشمنی در داخل و اتحاد در خارج را در تعامل با القاعده (و سایر گروه‌های تکفیری) در پیش گرفته‌اند (دهقانی، ۱۳۹۴).

برخلاف تلاش شاهزاده‌های عربستان برای جلوگیری از انتساب و ارتباط آنان به داعش، باید گفت داعش همانند القاعده، محصول ایدئولوژی وهابیت عربستان است. ایدئولوژی پشتیبان سازمان‌های مختلف جهادی تروریستی، در سراسر جهان ویرانی به بار آورده است. در این زمینه باید گفت که دکترین ایالات متحده در طول جنگ سرد، و پس از آن طرح‌های ترویج فرقه‌گرایی آن در عراق به همراه ایدئولوژی وهابی عربستان سعودی، به تولد این هیولای جهادی منجر شده است (ابوخلیل، ۲۰۱۴).

۶-۲. سازش با صهیونیسم و هم‌پیمانی با آمریکا

یکی از مهم‌ترین اهداف ایجاد نیروهای سلفی-تکفیری، مقابله با محور مقاومت و تأمین امنیت اسرائیل است. در جریان جنگ غزه در سال ۲۰۱۴، هم‌زمانی این جنگ با آتش‌افروزی جریان‌های سلفی تکفیری بار دیگر ثابت کرد که این گروه‌ها، وابسته به نظام سلطه بوده و در ضدیت با منافع صهیونیسم قدمی بر نمی‌دارند. آنها نه تنها حاضر نشدند از مردم مسلمان و مظلوم و مقاومت آنان در غزه حمایت کنند، بلکه عناصر داعش در مصاحبه با الاخبار تصریح کردند که «آزادی فلسطین اهمیتی ندارد. اولویت داعش، نخست آزادی بغداد؛ سپس دمشق و پس از آن تمامی بلاد شام است» (سراج، ۱۳۹۳).

در تأیید هم‌سویی منافع گروه‌های سلفی تکفیری، از جمله داعش، با صهیونیسم، می‌توان به خبر منتشر شده در سایت اینترنتی وترنز تودی^۱ اشاره کرد. در این سایت آمده است: با توجه به اطلاعات منتسب به «ادوارد اسنودن»^۲، نام واقعی ابوبکر البغدادی، رهبر گروه داعش، «سیمون الیوت»^۳ است. وی در یک خانواده یهودی به دنیا آمده و عامل موساد (سازمان اطلاعاتی اسرائیل) است. الیوت به وسیله موساد استخدام شده و آموزش‌های لازم در دوره‌های جاسوسی و جنگ روانی علیه جوامع عرب و اسلامی را پشت سر گذاشته است. رهبر گروه داعش با سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و اسرائیل برای ایجاد سازمانی همکاری داشته

1. Veterans Today
2. Edward Snowden
3. Simon Elliot

است که واجد توانایی جذب افراط‌گرایان تروریست از سرتاسر دنیا باشد. در این بین، طرح موساد، شامل جذب افراد نظامی و غیرنظامی از کشورهایی است که تهدیدی علیه (امنیت) اسرائیل محسوب می‌شوند و هدف آن، ایجاد هرج و مرج و ویرانی در کشورهای همسایه این رژیم و تسهیل در روند ایجاد اسرائیل بزرگ در خاورمیانه است (وترانستودی، ۲۰۱۴).

بررسی اسناد و مصاحبه‌های خبری نیز، گویای اهداف پنهان تشکیل گروه‌های سلفی تکفیری، از جمله داعش، در خاورمیانه به وسیله هم‌پیمانان آمریکا با هدف مقابله با حزب‌الله لبنان است. «وسلی کلارک»^۱، ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا که از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ فرماندهی نیروهای ناتو در اروپا را به عهده داشت، در مصاحبه خود با شبکه سی.ان.ان گفته است: «داعش از طریق کمک‌های مالی دوستان و هم‌پیمانان ما ایجاد شد». وی در ادامه اظهار کرده است، داعش، تنها گروهی است که با حزب‌الله خواهد جنگید، زیرا اعضای این گروه تروریستی، «افراطی» بوده و همانند «هیولای فرانکنشتاین»^۲ هستند. این گروه تکفیری، بخشی از استراتژی نابود کردن حزب‌الله به وسیله ارتش افراط‌گرایان محسوب می‌شود. در این راستا، آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا با هدف بی‌ثبات کردن دولت سوریه، تروریست‌های داعش را نخستین بار در سال ۲۰۱۲ در اردن تعلیم داد (بی‌نام، ۱۳۹۳).

تجزیه و تحلیل

با بررسی دقیق هویت‌ها و مبانی بین‌دهنی قوام‌دهنده به هویت و امنیت هویتی دو گفتمان مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان و گفتمان سلفی-تکفیری، با توجه به برداشت‌های متفاوت آن‌ها از اسلام و هویت و منافع برخاسته از آن، به خوبی می‌توان مهم‌ترین نقاط تعارض و تقابل این دو گفتمان را به این صورت تبیین کرد:

- **خاستگاه و ماهیت:** حزب‌الله، مولود مقاومت علیه اشغال‌گری اسرائیل و هم‌پیمانان غربی آن است و با تأثیرپذیری از اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی رشد کرده، ولی گفتمان سلفی-تکفیری در مقابله با حزب‌الله ایجاد شده و با کمک سرویس‌های اطلاعاتی غربی و وهابیون حاکم در عربستان، نمو کرده است.

- **جهاد و شهادت‌طلبی:** در بحث محتوایی دو گفتمان، به ویژه در مسئله جهاد و شهادت، باید گفت در حالی که حزب‌الله، جهاد اکبر و مبارزه با نفس را پیش‌زمینه جهاد اصغر و نبرد نظامی

1. Wesley Clark

2. Frankenstein

دانسته و جهاد اصغر را صرفاً تدافعی می‌داند، گفتمان سلفی-تکفیری با برداشت عوامانه از مفهوم جهاد، از آن استفاده ابزاری کرده و قواعد و اصول اسلامی را در نظر نمی‌گیرد. سلفی‌ها می‌کوشند با استفاده از حربه تکفیر و تروریسم به اهداف خود دست یابند.

- **نگرش به صهیونیسم و استکبار:** برخلاف رویکرد انقلابی، ضدصهیونیستی و ضداستکباری جنبش حزب‌الله، برداشت سطحی و متحجرانه از دین اسلام در گفتمان سلفی-تکفیری، به گفتمانی منجر شده است که در نهایت خواهان حفظ وضع موجود و تأمین منافع استکبار و صهیونیسم گردد.

حامیان منطقه‌ای: در حالی که حامی گفتمان حزب‌الله، محور مقاومت برگرفته از انقلاب اسلامی به رهبری جمهوری اسلامی ایران است، حامی گفتمان سلفی-تکفیری، حاکمان آل‌سعود و وهابیت حاکم بر عربستان سعودی، آمریکا، اسرائیل و سایر هم‌پیمانان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای آنان هستند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق، به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی بود که علت تقابل گفتمان مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان با پادگفتمان سلفی تکفیری چیست؟

بررسی تطبیقی دو گفتمان حزب‌الله و گفتمان سلفی-تکفیری با استفاده از نظریه سازه‌انگاری، نشان‌دهنده این است که تفاوت و تعارض هویت‌های دو گفتمان و نیز هنجارها و منابع بینادهمنی تشکیل‌دهنده و قوام‌بخشنده آنها، یعنی مواردی از قبیل نوع ایدئولوژی اسلام سیاسی- شیعی انقلابی، درمقابل وهابیت سلفی تکفیری، نوع نگرش به مفاهیمی، چون جهاد، شهادت، شهادت‌طلبی، امت اسلامی، مذاهب اسلامی، تروریسم، عقل و همچنین تفاوت در خاستگاه پیدایش، ماهیت، اهداف و حامیان منطقه‌ای این دو گفتمان، درنهایت، منجر به تقابل گفتمان حزب‌الله با هویت اسلامی- شیعی انقلابی و گفتمان سلفی- تکفیری با هویت سلفی و وهابیت تکفیری شده است. گفتمان انقلابی شیعی، عضو محور مقاومت و متحد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است و جریان سلفی در بطن محور سازش جای گرفته و تأمین‌کننده منافع و امنیت ملی رژیم اسرائیل، آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای آنان است. گفتمان سلفی تکفیری، برخلاف گفتمان حزب‌الله، اسرائیل و آمریکا را دشمن واقعی خود نمی‌داند و دشمن اصلی را شیعیان و دولت‌های حاضر در محور مقاومت، یعنی جمهوری اسلامی ایران، سوریه و عراق می‌پندارد. این امر، به جای قرار گرفتن این گفتمان در درون محور





غربی- عبری- عربی علیه حزب الله، نظام سوریه، عراق، شیعیان یمن و در سطح بالاتر جمهوری اسلامی ایران منجر شده است. این مسئله را می‌توان نشان‌دهنده تأیید فرضیه مقاله، مبنی بر تقابل هویت گفتمان سلفی- تکفیری و گفتمان مقاومت اسلامی حزب الله لبنان دانست. با توجه به این‌که، گفتمان اسلامی- شیعی متعلق به حزب الله، عضو محور مقاومت و متحد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است و در مقابل، گفتمان سلفی- تکفیری، وابسته به وهابیت و دست‌نشانده عربستان سعودی بوده و عضو محور سازش است، نتیجه عادی این شرایط، تقابل این دو گفتمان در سوریه و حتی عراق و یمن خواهد بود.

در پایان یادآور می‌شود، برای جلوگیری از رشد و توسعه گفتمان‌های سلفی- تکفیری و فرقه‌گرایی در جهان اسلام، توجه به این امور راه‌گشاست:

- شناخت صحیح و عمیق اصول دین اسلام با استفاده از قرآن، سنت و سیره پیامبر و ائمه اطهار و تفسیر صحیح مفاهیم اسلامی از قبیل جهاد و هجرت به‌وسیله علمای اسلامی؛
- استفاده صحیح از عقل، مطابق با سنت و سیره پیامبر و ائمه برای تفسیر دین و توجه به عنصر اجتهاد؛

- تأکید بر اصول مشترک مذاهب اسلامی و پررنگ نکردن نقاط اختلاف؛
- مبارزه با افراط‌گرایی به‌وسیله علمای مسلمان و جلوگیری از تعلیم آموزه‌های وهابی در مدارس اسلامی؛

- تأکید بر آزادی قدس و فلسطین و مبارزه با اسرائیل، به‌عنوان آرمان وحدت‌بخش اسلامی؛
- افزایش امکان گفت‌وگو بین مذاهب دین اسلام همراه با تسامح و تساهل اسلامی؛
- افزایش روابط و تعاملات فرهنگی بین کشورهای اسلامی، مذاهب و سایر ادیان توحیدی.

منابع

- ابراهیم، فؤاد (۱۳۹۳)، «داعش و القاعده دو شاخه درخت وهابیت در عربستان»، خبرگزاری فارس، قابل دسترسی در سایت اینترنتی: <http://farsnews.com>
- اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹)، از مقاومت تا پیروزی، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- اسداللهی، مسعود (۱۳۸۲)، جنبش حزب‌الله لبنان، گذشته و حال، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهجت، جودت (۱۳۸۹)، اسرائیل و خلیج فارس (گذشته و آینده)، ترجمه علیرضا قربان‌پور، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- بی‌نام (۱۳۹۳)، «ژنرال امریکایی: داعش برای مقابله با حزب‌الله ایجاد شد»، قابل دسترسی در سایت اینترنتی: <http://www.presstv.ir/Detail/Fa>
- جمالی، جواد (۱۳۹۰)، «مدل تئوریک تحلیل افراط‌گرایی (بار کاربست نظریه سازه‌انگاری)»، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره ۱۲.
- جوان، مصطفی، علی خسروشیری (۱۳۸۸)، «ایران پس از انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان: تأثیرات و پیامدها»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۲، شماره ۴۲.
- حاجی یوسفی امیرمحمد و عارف‌نژاد ابوالقاسم، ۱۳۹۰، «نشانه‌شناسی عملیات انتحاری در منازعات گفتمانی عراق و چالش‌های امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲)، «سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل از دید نظریه‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۱.
- حجار، صامی (۱۳۹۰)، گسترش حزب‌الله، در حزب‌الله لبنان؛ سیاست، قدرت و اقتدار. ترجمه: سیدحسین موسوی و عسگر قهرمان‌پور؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حجازی، حامد (۱۳۸۵)، یک لبنان مقاومت یک اسرائیل ادعا، قم: انتشارات بقیه العتره.
- حقیقت، صادق و حسین جدی (۱۳۹۲)، «تشیع، بنیادگرایی و اسلام سیاسی». ترجمه عباس منوچهری؛ فصلنامه اسلام سیاسی، شماره ۱، قابل دسترسی در سایت اینترنتی: <http://www.s-haghighat.ir/articles>
- حقیقت، صادق و سیدمحمدعلی حسینی‌زاده (۱۳۸۷)، گفتمان، در: رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۴)، «گفتمان و مطالعات اسلامی و ایرانی»، فصلنامه پژوهش و حوزه، سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۷)، «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- دبیری مهر، امیر. ۱۳۹۲، مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و پژوهشکده باقرالعلوم.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ نسبیبه شهبازی، و احمد فریدونی (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال فلسطین از منظر سازه‌انگاری»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۸.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۳)، «عربستان و القاعده؛ دشمنی در داخل و اتحاد در بیرون از مرزها»، خبرگزاری فارس، قابل دسترسی در سایت اینترنتی: <http://farsnews.com>



- ستوده، علی اصغر و جعفر خزابی (۱۳۹۳)، «آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه»، فصلنامه جبل‌المتین، سال سوم، شماره ۹، قابل دسترسی در سایت اینترنتی: <http://hablolmatin.dmsonnat.ir>
- سراج، رضا (۱۳۹۳)، «کارآمدی گفتمان مقاومت اسلامی در نبرد رمضان»، قابل دسترسی در سایت اینترنتی: <http://www.borhan.ir>
- سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹)، «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۱، شماره مسلسل ۴۷.
- شیروانی، میثم (۱۳۸۹)، قدرت نرم حزب‌الله، پیامدهای سیاسی و امنیتی جنگ ۳۳ روزه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- عطایی، فرهاد و نسیم سادات‌واسعی‌زاده (۱۳۹۲)، «از روابط فرهنگی تا نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل: مروری بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۱۵.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۸)، «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴.
- عباسی، محمد (۱۳۹۳)، «سنخ‌شناسی داعش»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره ۲.
- غفاری هاشجین، زاهد و قدسی علیزاده سیلاب (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی: داعش)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱۱.
- قاسم، نعیم (۱۳۸۳)، حزب‌الله لبنان؛ گذشته و آینده آن، تهران: انتشارات اطلاعات.
- قاسمی، علی‌پاشا (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات فلسطین، دوره جدید، شماره ۱۲.
- کوبالکوا، وندولکا، ۱۳۹۲، «سیاست خارجی، سیاست بین‌الملل و سازه‌انگاری»، در: همان مؤلف. سیاست خارجی در جهان برساخته، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوورت، پاول (۱۳۹۲)، به سوی نظریه‌ای سازه‌انگاره از سیاست خارجی، در سیاست خارجی در جهان برساخته. ترجمه: وندولکا کوبالکوا؛ تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گلشنی علیرضا و محسن باقری (۱۳۹۱)، «جایگاه حزب‌الله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال چهارم، شماره ۱۱.
- متقی، ابراهیم و علی آزرمی، «گفتمان سیاست خارجی دهه چهارم انقلاب اسلامی (تعامل‌گرایی ضدنظام هژمونیک) از منظر تئوری سازه‌انگاری»، فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۱۲.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، «گفت‌وگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- هرسیچ، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۹۲)، چالش‌های وهابیت؛ ایران، جهان اسلام و غرب، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- هزاران، یوسی (۱۳۹۰)، شیعیان در لبنان: از حاشیه تا مرکز، در حزب‌الله لبنان سیاست، قدرت و اقتدار؛ ترجمه: سیدحسین موسوی و عسگر قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یاقوتی، محمدمهدی (۱۳۹۰)، «تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»،

- فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۱.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۳)، «گزارش نشست علمی چگونگی شکل‌گیری داعش و محیط راهبردی منطقه»،
سایت انجمن علوم سیاسی ایران، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.ipsa.ir>
- AbuKhalil, As'ad. "ISIS and al-Qaeda: Similarities and differences," 2014-09-02, <http://english.al-akhbar.com/node/21352>
- Alagha, Joseph. Lebanon: Hezbollah, a progressive Islamic party? 17 May 2007
- http://religion.info/english/interviews/article_317.shtml#.VZQHTBtVgoI
- Simon Elliot, aka Al-Baghdadi, son of Jewish parents, Mossad agent, August 4, 2014. <http://www.veteranstoday.com/2014/08/04/french-report-isil-leader-mossad/>

